

مقایسه عدالت کلاسیک با عدالت ترمیمی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۰۳/۰۳ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۶/۰۵/۰۵)

میرحیدر میرنقی زاده

دکتری حقوق خصوصی، قاضی دادگستری و مدرس دانشگاه در دوره های ارشد

اکبر صفری

کارشناسی حقوق قضایی و مشاور حقوقی

Comparison of classical justice to restorative justice

چکیده

«عدالت سزادهنده» که ناظر به جرم است و «عدالت بازپرورانه» که ناظر به بزهکار است و هر دو به عنوان مدل کلاسیک یا سنتی عدالت کیفری مشهور شده اند، در دهه های اخیر، با ایرادهای مختلفی که متوجه کارایی و عملکرد آنهاست روبه رو هستند. روی این قضیه عده ای از جرم شناسان و حقوق دانان در پی جابه جایی نظام عدالت کیفری کلاسیک برآمدند و نظام عدالت جدیدی با عنوان "عدالت ترمیمی" به عرصه ی جرم شناسی و جزا وارد شده است. این مدل به اعتقاد طرفداران آن می تواند علاوه بر حل و فصل اختلافی که با ارتکاب جرم ایجاد شده است ، خصومت تنش و اختلاف ناشی از آن بین بزه دیده و بزهکار را در جامعه ی محلی در چارچوب فرایند میانجی گری ، مذاکره و مصالحه ی جمعی و با روش های متنوع رفع و ترمیم کند. در این نوشتار با توجه به عنوان تحقیق این دو نظام عدالت دهی به صورت تطبیقی مطالعه و بررسی شده است.

۱۹۹



بخش اول: کلیات

این مقاله به بررسی نظام عدالت کیفری کلاسیک و نظام عدالت کیفری ترمیمی می پردازد. وجود ضرورت های تغییر و جابجایی عدالت کیفری کلاسیک با عدالت ترمیمی؛ با بررسی مکانیسم های مربوط به اجرای عدالت توسط نهادهای ملی و بین المللی ذی ربط به ویژه سازمان ملل متحد و همچنین تلاش های ملی در اکثر کشورها صورت می گیرد. در راستای نشان دادن این ارتباطات و ضرورت روی آوری به «نظام عدالت ترمیمی» ضمن آوردن اصول هر دو نظام عدالت دهی موضوع تحقیق؛ در ادامه علل روی آوری به پارادایم های عدالت ترمیمی و ارزش ها و اهداف نظام اخیرالذکر پرداخته خواهد شد. به هر حال نظام عدالت کیفری سنتی (کلاسیک) با محدودیت ها و تنگناهای عمده ای روبروست که تقاضا برای اصلاح و تغییر آن را افزایش داده است. در قلمرو ملی و بین المللی، این نظام با انتقادات و ایرادهای اساسی مواجه است. هدف اجرای عدالت بایستی توامان بازتوانی بزه دیده و اجتماع (جامعه محلی) و بازپذیری بزهکار باشد. که این مهم در اصول و پارادایم های متن مقاله قابل عرضه بوده است برای مثال با وقوع جرم که آسیب اصلی از هر حیث (مادی و معنوی) به بزه دیده وارد گردیده در روند دادرسی و سیستم عدالت دهی بایستی نوعی اجرای عدالت سازماندهی گردد تا رضایت خاطر بزه دیده تامین و حس انتقام جویی در آن به حداقل برسد و جامعه نیز بتواند از لحاظ جرم شناسی بزهکار را با توسل به پارادایم های عدالت دهی مناسب از تکرار بزه های احتمالی آتی دور نگه داشته و بازتوانی به معنی واقعی که هدف اجرای مجازات است به خوبی انجام یابد. در تحقیق حاضر کوشش شده به چند فرضیه اصلی پاسخ داده شود:

فرضیه نخست: عملکرد و کارایی نظام عدالت کیفری کلاسیک در نظام قضایی امروزی تا چه حد پاسخ گوی توامان بازتوانی بزه دیده، جامعه و بزهکار بوده است؟

فرضیه دوم: آیا در نظام عدالت سنتی (کلاسیک) نقش و جایگاه بزه دیده تا چه حد به هدف عدالت دهی نزدیک است و اصولاً می توان بین نقش بزه دیده و دولت در این زمینه معاوضه ای انجام داد؟

فرضیه سوم: علل روی گردانی سیستم های حقوقی کشورها از عدالت کیفری سنتی و روی آوری به پارادایم های عدالت ترمیمی چیست؟

فرضیه چهارم: اهداف و اصول نظام عدالت ترمیمی بر چه پایه و اساسی استوار بوده و از چه روش هایی به بازتوانی سهامداران عدالت کیفری (بزه دیده، جامعه - بزهکار) می پردازد؟



این مقاله در ابتدا به تعریف مختصری از مفهوم عدالت، عدالت کلاسیک و عدالت ترمیمی و عناصر آن پرداخته و سپس به بررسی ارزش ها، اهداف و مبانی عدالت ترمیمی می پردازد. در نهایت مقایسه

بند اول: مفهوم عدالت، عدالت کلاسیک و عدالت ترمیمی

در این بحث به بررسی مفهوم عدالت به طور مطلق و سپس عدالت کلاسیک و عدالت ترمیمی و تبیین انواع تعاریفی که از آن به عمل آمده است پرداخته خواهد شد. هم چنین ارزش ها و اهداف عدالت ترمیمی در همین بحث مورد مطالعه قرار می گیرند.

بند دوم: تعریف و تبیین عدالت به طور مطلق

عدالت و دادگری از خواسته ها و آرزوهای دیرینه انسان هاست. در دورانی که اندیشه مذهبی برای هر یک از مفاهیم جهان نماد و خداوندی را در نظر می گرفت، خورشید که کانون خیر و برکت و گرمی زندگی و پرورش گیاهان و درخشنده ترین اختر فروزان آسمان بود به نام خداوند عدالت برگزیده شده بود. در پیشانی ستون سنگی که قوانین حمورابی بر آن نقش بسته است چهره پادشاه بابل به چشم می خورد که در حال گرفتن لوح قانون خود از خورشید می باشد. با این حال عدالت یک مفهوم نسبی، اجتماعی و انسانی است و با پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه های بشری معیارهای آن دگرگون می شود.^۱ که گاهی نحوه اجرای عدالت و معنی آن در دوران های مختلف، متفاوت بوده است که سیستم عدالت دهی و هدف سیستم عدالت کیفری تغییر می کند خصوصاً وقتی که دولت هایی در قالب پادشاهی، ارباب و رعیت ظاهر می شوند. تبیین مفهوم عدالت از بُعد اجتماعی، اخلاقی و فلسفی در این مختصر میسر نیست و در این گفتار صرفاً به تعریف عدالت از دیدگاه فلاسفه و حقوق دانان می پردازیم؛ به نظر ارسطو، حکیم یونانی، عدالت دو معنای عام و خاص دارد. در معنای عام عدالت یعنی اعتدال در کارها و شامل فضایل است اما عدالت به معنای خاص یعنی: « باید به هر کسی آنچه را که حق اوست داد».

سیسرون حقوق دان رومی به تعریف اخیر از عدالت قیدی اضافه می کند و می گوید: « باید به هر کسی آنچه را که حق اوست داد به شرط اینکه به منافع عمومی زیان نرسد».^۲

بند سوم: تعریف و تبیین عدالت کلاسیک

^۱ - سید محمود، کاشانی؛ استانداردهای جهانی دادگستری، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳. ص ۹

^۲ - ناصر، کاتوزیان؛ مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت انتشار، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۲. ص ۶۱





مقررات کیفری و به عبارتی حقوق کیفری در جوامع بشری، بیش از ۴۰۰۰ سال قدمت دارد، لیکن حقوق کیفری مدرن (امروزی)، به عنوان رشته‌ای نظام مند و دارای اصول و قواعد کلی ناظر به جنبه های شکلی و ماهوی مستقل از هم که در چارچوب مجموعه‌هایی به نام قانون نامه (کد) تدوین و هماهنگ شده‌اند، عمری حدود دو قرن دارد. عده‌ای از حقوق دانان انسجام و نظام بخش حقوق کیفری را بیشتر مرهون اندیشه‌ها و دیدگاه سزار بکاریایی ایتالیایی می‌دانند که در اعتراض به حقوق کلیسایی و محتوا و کیفیت اعمال عدالت کیفری شرعی توسط روحانیون کاتولیک مطرح شده بود و در کتابی به عنوان رساله‌ی جرایم و مجازات‌ها منعکس و در سال ۱۷۶۴ منتشر گردید.^۱ این اثر کوچک، در اروپا و سپس در سایر کشورها موجب «انقلاب کیفری» شد. که از بطن آن رویکردهای نوینی نسبت به بزه، بزه‌کار و کیفر به وجود آمد بدین ترتیب حقوق کیفری نظام مند در فضای فکری متولد شد که جرم، یک عمل ضد اخلاق اجتماعی تلقی می‌شد و مرتکب می‌باید متناسب با وخامت و شدت عمل مجرمانه ارتکابی، تنبیه و مکافات شود. این مجازات باید نسبت به همه مجرمان یکسان و از قبل برای جرایم معینی پیش بینی شده باشد. بدیهی است در این مقطع زمانی، جرم، فعل یا ترک فعلی قلمداد می‌گردید که عمدتاً علیه منافع و مصالح عمومی جامعه ارتکاب یافته باشد و لذا دستگاه قضایی به عنوان نماینده‌ی جامعه و دولت، مشروعیت قانونی برای تعقیب و سرکوب آن را پیدا می‌کرد. در واقع، این طرز تفکر به پیدایش عدالت کیفری سازمان دهی شده، متحدالشکل و یکسانی برای همه انجامید که جهت گیری عمده‌ی آن، سرکوب کیفری بزه‌کار بر اساس معیار شدت و ضعف جرم، یعنی رعایت اصل تناسب جرم و کیفر، بود.^۲

بند چهارم: تعریف و تبیین عدالت ترمیمی
عدالت ترمیمی، ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می‌کند. عدالت ترمیمی روش جدید اندیشیدن درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ (واکنش) به آن است.^۳

۱ - سزار، بکاریا؛ رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۹.

۲ - علی حسین، نجفی ابرند آبادی؛ از عدالت کلاسیک تا عدالت ترمیمی، نشریه: حقوق «آموزه‌های فقهی (الهیات و حقوق)» پاییز و زمستان ۱۳۸۲ - شماره ۹ و ۱۰

۳ - حسین، غلامی؛ عدالت ترمیمی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۰. ص ۷

در خصوص تعریف فرایند های عدالت ترمیمی هیچ اتفاق نظری وجود ندارد. برخی از تعاریف صرفاً ناظر به اهداف و فرایند های عدالت ترمیمی اند.

« فرایند ها و روش های ترمیمی... باید احساس عضویت در اجتماع و رضایت از فرایندها و روش عدالت ترمیمی را در بزهکاران و بزه دیدگان تقویت نمایند. این فرایندها و روش ها باید موجب ایجاد احساس بهتر بزه دیده در نتیجه مشارکت در فرایند عدالت ترمیمی و پاسخ گو نمودن بزهکاران به روش مفید و معنادار از طریق تشویق آنان به جبران ضرر و زیان های بزه دیدگان شوند»^۱

«هوارد زهر» با تاکید بر کارکرد عدالت ترمیمی آن را این گونه تعریف می کند: «عدالت ترمیمی فرایندی است برای درگیر نمودن کسانی که سهمی در یک جرم خاص دارند، تا آنجا که امکان پذیر است، تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان ها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گرداندن امور به اندازه ای که امکان پذیر است اقدام نمایند»

عدالت ترمیمی، نوعی از عدالت (راجع به امور کیفی) مبتنی بر «جبران» است به این معنا که در اجرای آن باید تلاش شود آثار وخامت بار جرم و ضرر و زیان های ناشی از آن، خواه به صورت کامل یا به گونه ای نمادین، ترمیم شود. «زهر» خاطر نشان می کند که «تعدی و تجاوز» موجب ایجاد تعهد می گردد. به این معنا که وقتی فردی نسبت به دیگری مرتکب خطا می شود، برای او تعهدی جهت درست کردن و ساختن آنچه از بین برده است ایجاد می گردد.^۲

یکی از تعاریف پذیرفته شده برای عدالت ترمیمی، تعریف تونی مارشال، نویسنده و جرم شناس انگلیسی است:

«عدالت ترمیمی فرایندی است که در آن کلیه کسانی که در خصوص یک جرم خاص سهمی دارند گرد هم می آیند تا به طور جمعی چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیم گرفته، راه حلی بیابند».

عدالت ترمیمی که بر مبنای ترمیم قرار دارد، در تقابل با مفهومی از عدالت است که سزاگرا بوده و مدلی انتقام جویانه و خشن ارائه می دهد. عدالت ترمیمی، تعریفی متفاوت از بزه داشته و به بزهکار توجه می کند. نگاه عدالت ترمیمی به آینده بوده، تمرکز آن بر حل مسایل است و مخالف سازو

۱ - موریس، ماکسول؛ عدالت ترمیمی الگوی نوین تفکر در امور کیفری، ترجمه حسین غلامی، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۹

۲ - حسین، غلامی؛ پیشین، ص ۸



کارهای قضایی در خصوص تمام رفتارهای مجرمانه است. عدالت ترمیمی به نقش بزه دیده به جای جامعه که خود را مستحق در اعطای مجازات می داند، اهمیت میدهد؛ این مفهوم از عدالت کیفری بر فرایندی مبتنی است که در آن اقرار صادقانه، به جای اقرار مبتنی بر شکنجه می نشیند، به حضور اعضای جامعه در فرایند عدالت به جای وکیل، دادستان و بازپرس اعتقاد دارد؛ هم چنین در این پارادایم عدالت دهی نقش دین و اصول روحانی و اعتقادی در مقایسه با عدالت سزاگرا بیشتر به چشم میخورد؛ بزه به عنوان اختلافی میان افراد در نظر گرفته می شود که قابل حل و فصل و جبران خواهد بود.^۱ با توجه به مجموع تعاریف و تبیین های ناظر به عدالت ترمیمی می توان وجوه مشترک آنها را که در واقع ویژگی های بنیادین برنامه ها و ارکان عدالت ترمیمی است به ترتیب ذیل برشمرد:

۱. جرم تعدی و تجاوز به افراد و روابط میان آنهاست.
۲. تعدی و تجاوز موجب تعهداتی است.
۳. عدالت، بزه دیدگان، بزهکاران و اعضای جامعه محلی را درگیر تلاش برای اصلاح امور می کند

بند پنجم: عناصر عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی به دنبال رسیدن به اهداف خود، باید عناصری را دارا باشد تا بتوان از آن الگویی را به دست آورد. لذا این قسمت از عدالت کیفری، میان سه رکن بزهکار، بزه دیده و جامعه قایل به وجود عناصر ذیل است:

- (الف) داوطلبانه بودن: شرکت بزهکار به صورت داوطلبانه و با اراده ای آزاد بدون اکراه و اجبار و طیب خاطر در کنار بزه دیده.
- (ب) اظهار حقیقت: بزهکار با اقرار خود حقیقت را بیان می کند.
- (ج) رو در رویی: رو در رویی بین بزه دیده و بزهکار؛ و این ملاقاتی است که در آن در خصوص آسیب های وارده بر بزه دیده از سوی بزهکار بحث می شود.
- (د) توافق: توافق و قرارداد بر نحوه جبران خسارت و اصلاح و واکنش به جرم به گونه ای که، از فرایندهای کیفری به دور باشد و دارای وصف ترمیمی باشد.

۱ - شهلا، معظمی؛ محمد پارسا، انجمن معناتان گننام، از منظر عدالت ترمیمی، تهران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۸، زمستان ۱۳۸۸. ص ۱۲۳

ه) حمایت: حمایت از بزه دیده ، بزهکار ، بیمار و ... به نحوی که شرایطی برابر میان طرفین ایجاد شود.

و) غیرعلنی و محرمانه بودن: جهت بازپذیری مجرم به جامعه و حفظ آبروی او، رو در رویی میان بزه دیده و بزهکار در فضایی غیرعلنی انجام گرفته و مباحث مطرح شده در آن نیز به صورت محرمانه باقی خواهد ماند.

بند ششم: ارزش ها و اهداف عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی دارای چهار هدف عمده ی : اصالت روابط شخصی ، جبران ، بازپذیری و مشارکت است که در ذیل به طور خلاصه به توضیح هر کدام از آنها می پردازیم.

۱. اصالت روابط شخصی:

این نظریه که جرم اصولاً و ابتدائاً تعدی به روابط میان فردی است نه صرفاً تعدی به روابط میان فرد و حکومت، نقطه آغاز عدالت ترمیمی است. «زهر» تاکید میکند که جرم نباید به عنوان مفهومی انتزاعی درک و استنباط شود بلکه باید به عنوان صدمه و تعدی به افراد و روابط میان فردی تلقی گردد. آثار صدمه و خشونت فراتر از رنج و عذاب بزه دیده است؛ بزهکار ، بزه دیده و خانواده آنها از وقوع جرم متأثر می شوند. عدالت ترمیمی در جستجوی ترمیم همه ابعاد مذکور است. ویژگی « شخصی بودن» در عدالت ترمیمی ، در مقابل ویژگی فقدان تشخیص و عدم توجه به روابط شخصی در عدالت کلاسیک است. در نظام عدالت کلاسیک پاسخ به پدیده مجرمانه را قانون و مجریان حرفه ای آن تعیین می کنند. به عبارتی دیگر در عدالت ترمیمی بزه دیده اصلی دولت است نه فرد. به همین ترتیب واکنش اتخاذی نه در جستجوی تامین حقوق و آزادی های بزه دیده بلکه در اندیشه حفظ دولت و حمایت از آن است. بدون تردید یکی از مهم ترین نتایج نظام عدالت کلاسیک آن است که زیان های وارده به بزه دیده و به ویژه زیان های معنوی در فرایند رسیدگی کیفری را ، بدون پاسخ می گذارد.^۱

۲. جبران:

هدف واکنش ترمیمی به جرم ، نه مجازات مجرم بلکه جبران زیان ناشی از آن است. پرسشی که پس از وقوع جرم در عدالت ترمیمی مطرح می شود این است که « چگونه می توان آن را که تخریب شده





است دوباره ساخت؟» و «برای ساختن مجدد چه باید کرد؟». از یک نظر ممکن است مهم ترسن زیان ناشی از جرم، ضرر و زیان مادی باشد اما در واقع بیشترین زیان ناشی از جرم ضرر و زیان های روحی و روانی اند که جبران آنها به آسانی امکان پذیر نیست؛ صدمات و زین هایی مانند هتک حرمت و کرامت انسانی بزه دیده، سلب آرامش و امنیت وی، احساس عدم اطمینان و کاهش عزت نفس او.^۱ بدین ترتیب عدالت ترمیمی در مفهوم موسع یا امروزی آن جرم را قبل از اینکه نقض مقررات و هنجارهای مجرد و انتزاعی عمومی و رسمی تلقی کند، لطمه ای به اشخاص و روابط میان آنها تعریف می کند که آثار مطلوب و خسارات مادی، معنوی، روانی و عاطفی آن، نه فقط بزه دیده بلکه جامعه محلی و علقه و روابط اجتماعی محلی و حتی خود بزهکار را متاثر می نمایند.^۲

بسیاری از نویسندگان عدالت ترمیمی، جبران خسارت واقعی یعنی جبران خسارتی را که هم به رفع زیان های مادی و هم ترمیم زیان های معنوی بزه دیده منجر شود جایگزین مناسب مجازات می دانند. علاوه بر ترفداران عدالت ترمیمی آرمان جبران زیان های ناشی از جرم را به سنت های بومی، مذهبی پیوند می زنند، سنت هایی که در آنها التیام و بهبودی بزه دیده، بازگرداندن توازن و هماهنگی به زندگی بزه دیده و جامعه محلی و ترمیم روابط گسسته شده، هسته اصلی اجرای عدالت است. پیشینه ی بومی عدالت ترمیمی چنان طولانی است که هنوز بومیان برخی کشورها همانند کانادا، استرالیا، نیوزلند و آمریکا از آن استقبال می کنند و در بسیاری از مناطق جهان کم و بیش از آن استفاده می شود.^۳

فمونیست ها نیز عدالت ترمیمی را بر عدالت مبتنی بر سزادهی ترجیح می دهند و معتقدند که جبران و ترمیم روابط مختل شده در نتیجه ارتکاب جرم نه تنها به موازین اخلاقی نزدیک تر است بلکه فواید بیشتری در روابط میان فردی دارد.^۴

۳. بازپذیری:

عدالت ترمیمی علاوه بر جستجوی روش های جبران زیان بزه دیده در اندیشه بازپذیری بزهکار نیز هست. همانند جبران خسارت بزه دیده، باز پذیرگی بزهکار یکی از اهداف عمده ی اجرای عدالت در

۱ - حسین غلامی، پیشین. ص ۲۱

۲ - علی حسین، نجفی ابرند آبادی؛ پیشین. ص ۳۲

۳ - برای مطالعه بیشتر رجوع شود به کتاب بسترهای تاریخی عدالت ترمیمی در ایران، روزنامه رسمی کشور. ۱۳۸۹

۴ - حسین غلامی، پیشین. ص ۲۸

گذشته بوده است. طرفداران عدالت ترمیمی استدلال می کنند که عدالت کلاسیک این مهم را نادیده گرفته است. زندان ها تاثیر و نقش قابل توجهی در این خصوص ندارند و تمرکز اصلی آنها بر منزوی و بیگانه کردن بزهکار از جامعه است. در این راستا حتی به جایگزین های حبس^۱ نیز توجه کافی نشده است. بزهکار میتواند به انجام خدمات اجتماعی اقدام کند یا جزای نقدی پرداخت نماید، اما هرگز به وی فرصت کافی داده نمی شود تا با ارزیابی رفتار خویش احساس ندامت و پشیمانی کند.^۲

مجرمان در زندان با فشارهای عصبی و مشکلات اجتماعی مانند سلب آزادی، ممنوعیت ارتباط با خانواده و دوستان پیشین و تحمل رفتارهای انضباطی سخت رو به رو اند. آنان ناگزیر باید با جامعه پذیر شدن با هنجارهای حاکم بر زندان یک جهان اجتماعی جدید و تحمل پذیر برای خود بسازند. فرایندی که از رهگذر آن زندانی با عادت ها، هنجارها، ارزش ها و فرهنگ زندگی در زندان مطابقت و همانندی می یابد، جامعه پذیری مجرم در زندان یا زندان پذیر شدن نامیده می شود.

مجازات زندان که در حقوق کیفری به منزله ی یکی از واکنش های اصلی مورد تاکید مکتب های حقوقی است، از نظرگاه دانش جرم شناسی مشکلات فراوانی را ایجاد می کند و در این نهاد کیفری (زندان) بزهکار به جای اینکه اصلاح شود و به عبارتی بازپذیر شود از بزهکار اتفاقی به بزهکار حرفه ای تبدیل می شود؛ در حالی که روش های جانشین حقوق کیفری به ویژه نهاد میانجی گری به خوبی چنین مسائلی را حل می کنند.^۳

در مقابل، عدالت ترمیمی بر ضرورت تقویت رابطه میان بزهکار و اجتماع تاکید می کند. این رابطه از آنجا آغاز می شود که بزهکار درک می کند مرتکب اقدامی نادرست شده و ضروری است همانند سایر افراد مطیع قانون، جایگاه مناسبی در جامعه پیدا کند. وی با جبران خسارت ناشی از جرم می تواند زمینه بازپذیری خویش را فراهم سازد و رضایت بزه دیده و جامعه را به دست آورد. با این وجود مسئولیت بازپذیر ساختن صرفا بر عهده بزهکار نیست بلکه اجتماع (جامعه محلی) نیز در این خصوص وظایفی دارد. وظیفه جامعه مساعدت به بزهکار همانند مساعدت به بزه دیده است. در این راستا برخی

۱ - برای بدست آوردن اطلاعات لازم پیرامون «جانشین های زندان» و بویژه نتایج اعمال آن در برخی از کشورها، بنگرید به محمد، آشوری، جایگزین های زندان یا مجازات های بینابین، نشر گرایش، ۱۳۸۲

۲ - حسین غلامی، پیشین، ص ۱۹

۳ - جواد، فروغی فر؛ نقش قضا زدایی در کاهش جمعیت کیفری زندانها، مجموعه مقاله های همایش راهکارهای کاهش جمعیت

کیفری زندان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۱۹۳





از نویسندگان معتقدند که « احساس شرمساری » بزهکار که در نتیجه ترد و رد و عدم تایید اقدامات بزهکار از طرف جامعه ایجاد می شود ، در صورتی که پس از واکنش مناسب اجتماع یا بازپذیری و مساعدت جامعه جهت تبدیل بزهکار به شهروندی مطیع قانون توأم شود، نقش بسیار موثر بلکه موثرترین نقش را در کنترل بزهکاری ایفا می نماید. « برای ویت » معتقد است که نکته اساسی در بازپذیری بزهکار در اجتماع این است که باید میان فعل مجرمانه و هویت و شخصیت بزهکار تمیز و تفاوت قائل شد، به عبارت دیگر همان گونه که در ادبیات مسیحی تاکید می شود « از گناه نفرت داشته باشید اما به گناهکار عشق بورزید » تا نجات یابد.

۴. مشارکت:

عدالت ترمیمی مشوق مشارکت بزه دیده ، بزهکار و جامعه محلی در بررسی جرم و اتخاذ تصمیم راجع به آن است. آرمان مشارکت در اجرای عدالت ، یکی از مهم ترین آرمان های عدالت ترمیمی و جزء ماهیت و تعریف آن است. مطابق تعریف مارشال : « عدالت ترمیمی فرایندی است که از طریق آن کلیه طرفین با داشتن سهمی در یک جرم خاص گرد هم می آیند تا به طور جمعی در مورد چگونگی مقابله با آثار جرم و نتایج آن برای آینده تصمیم گیری کنند».

تصمیم گیری جمعی ممکن است به اشکال مختلف انجام شود. برخی از روش های اجرای عدالت ترمیمی عبارت اند از : برگزاری نشست ها ، میانجی گری ، حلقه ها یا محافل و هیئت ترمیمی جامعه محلی. آنچه در میان همه روش های مذکور مشترک است مشارکت آزادانه بزه دیده ، بزهکار و نیز جامعه محلی در اجرای فرایند ترمیمی است. « نیل کریستی » در مقام تبیین ضرورت مشارکت بزه دیده ، بزهکار و جامعه محلی در اجرای عدالت تاکید می کند: اختلاف یا به اصطلاح دعوی متعلق به کسانی است که از آن متاثر شده اند اما مجریان حرفه ای عدالت کیفری و در راس آنها دولت آن را از آنها ربوده اند.^۱

بدیهی است که با حضور بزه دیده ، بزهکار فرصت کمتری برای گریز از مسئولیت پیدا می کند. علاوه بر این با توجه به رویارویی بزهکار و بزه دیده فرض بر آن است که بزهکار احساس مسئولیت بیشتری خواهد کرد و آثار و نتایج عمل ارتكابی خود را با وضوح بیشتری ملاحظه خواهد نمود.

۱- نیل ، کریستی ؛ اختلافات به مثابه دارایی ، ترجمه حسین غلامی ، فصل نامه تخصصی فقه و حقوق ، شماره هشتم ، سال دوم ، ص

چنین ملاقاتی زمینه ترمیم اجتماع را نیز به نحو مناسب تری ایجاد می کند به نحوی که نه تنها موجبات مشارکت اجتماع در ترمیم زیان های بزه دیده بلکه زمینه بازپذیری بزهکار را نیز ایجاد میکند. برخی از نویسندگان درگیر شدن بزهکار، بزه دیده و جامعه برای رسیدگی به نتایج حاصل از جرم ارتكابی را موجب ارائه نوعی (آموزش مبتنی بر احساس و عاطفه) به بزهکار می دانند که در نتیجه آن طرز تفکر و اندیشه بزهکار و عادت های وی اصلاح می شود تا به عنوان شهروندی مطیع قانون عمل کند.^۱ پشیمانی و ندامت و تلاش برای جبران آثار زیان بار جرم از جمله نشانه های تحول در بزهکار است.

بخش دوم: اصول عدالت ترمیمی

به دلیل نوپایی مباحث مربوط به عدالت ترمیمی از یک سو و وجود دیدگاه های متفاوت و متنوع از سوی دیگر، حتی متخصصان و نویسندگان عدالت ترمیمی، در خصوص اصول عدالت ترمیمی اتفاق نظر کامل ندارند. برای مطالعه و بررسی اصول بنیادین عدالت ترمیمی مراجعه به ۴ سند ناظر به عدالت ترمیمی ضروری است:

۱. بیانیه لوون
۲. بیانیه اتحادیه سازمان های غیر دولتی پیش گیری از جرم و عدالت کیفری (نیویورک)^۲
۳. اصول بنیادین استفاده از برنامه های عدالت ترمیمی در امور کیفری^۳ که در سال ۲۰۰۲ به تصویب شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد رسیده است.
۴. بیانیه اصول عدالت ترمیمی از طرف کنسرسیوم عدالت ترمیمی و سایر اسنادی که به آنها اشاره خواهد شد.^۴

با بررسی اهداف و نظریه های عدالت ترمیمی از یک طرف و اسناد مذکور از طرف دیگر می توان مهم ترین اصول عدالت ترمیمی را به دو دسته اصول ناظر به مبانی نظری عدالت ترمیمی و اصول ناظر به اجرای عدالت ترمیمی تقسیم کرد.

بند اول: اصول ناظر به مبانی نظری عدالت ترمیمی

این اصول را می توان به دو دسته اصول کلی و اساسی و اصول جزئی و فرعی تقسیم نمود.

الف) اصول کلی و اساسی عدالت ترمیمی

۱ - حسین غلامی، پیشین، ص ۱۹

2 - Statement by EU NGOs Crime Prevention and Criminal Justice (New York)

3 - Fundamental principles of restorative justice programs in criminal matters

4 - Statement by the Consortium of restorative justice restorative justice principles





۱. جرم قبل از هر چیز تعدی و تجاوز به روابط میان مردم است نه صرفاً اقدامی علیه دولت. ارتکاب جرم منجر به ایراد ضرر و زیان به بزه دیده، اجتماع و بزهکاری می‌شود و آنها باید به صورت فعال در فرایندهای اجرای عدالت مشارکت داده شوند.

۲. همه آنهایی که از جرم متاثر شده‌اند برای مقابله و برخورد جمعی با آثار و نتایج جرم نقش‌ها، مسئولیت‌ها و نیازهایی دارند.

۳. جبران ضرر و زیان، حل و فصل مشکلات ناشی از جرم به منظور حصول به توافق و آشتی و پیشگیری از زیان‌های بیشتر.^۱

اجرای برنامه‌های عدالت‌ترمیمی در پیش‌گیری از جرم و زیان‌های بیشتر خصوصاً برنامه‌های میانجی‌گری کیفری که بیشتر بر جرم‌های کوچک‌تر و جرم‌های مالی و بزه‌های بزهکاران جوان متمرکز است، قابلیت‌های گسترده‌ای در کاهش حجم گسترده پرونده‌های کیفری دارد. میانجی‌گری در مصداق‌ها و انواع مختلف آن می‌تواند از همان ابتدا از ورود پرونده به نظام عدالت کیفری جلوگیری کند. ممکن است پرونده در مرحله پی‌گرد به منزله یکی از روش‌های قضازدایی از قلمرو نظام پی‌گرد و دادرسی بیرون رود یا حین رسیدگی کیفری از آمار پرونده‌ها کسر شود یا حتی پس از مجازات مجرم، از آمار پرونده‌های مراکز اصلاح و تربیت، زندان‌ها و اقدام‌های احتیاطی کسر شود. در این صورت، نظام عدالت کیفری به رسیدگی به جرم‌های بسیار مهم‌تر اختصاص یافته و این پرونده‌ها به دور از شتاب زدگی بی‌دقتی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند.

به جز بحث تورم پرونده‌های کیفری و طولانی شدن دادرسی، توسل به سازوکارهای غیر کیفری موجب کاهش هزینه‌های بازداشت، زندان و ... می‌شود. افزون بر آن، اصلاح و بازپذیری مجرم که هدف اصلی پارادایم عدالت‌ترمیمی بوده (که پیشتر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت)، نیز به گونه‌ای مطلوب‌تر برآورده شده و سرانجام موجب کاهش آمار جرم‌ها در جامعه و حمایت از نظم اجتماعی خواهد شد.^۲

نظام حقوقی کشور ایران نیز کم و بیش مطابق فضای بین‌المللی جهت روی‌گردانی از عدالت کلاسیک سنتی در طول سال‌های گذشته به جایگزینی عدالت‌ترمیمی اقدام نموده که از جمله آنها

۱ - حسین غلامی، پیشین، ص ۲۱ و ۲۰

۲ - جواد، فروغی فر، پیشین، ص ۱۹۳ و ۱۹۲

تصویب قانون شوراهاى حل اختلاف مصوب ۹۴/۱۰/۹ و گنجاندن موادى در این خصوص در قانون آیین دادرسی کیفرى مصوب ۹۲/۱۲/۴ مى باشد که رويه معمول محاکم نیز قبل از رسیدگی و شروع تحقیقات؛ ارجاع موضوع جهت صلح و سازش به مراکز شوراى حل اختلاف و میانجیگری است که مراتب مزبور بیانگر تمایل سیستم حقوقى ایران به اصول اساسى و پارادایم هاى عدالت ترمیمی مى باشد.^۲

بخش سوم: زوال و ظهور عدالت ترمیمی

در ادبیات تاریخی عدالت کیفرى اصطلاحاتى از قبیل استرداد، جبران، پرداخت خسارت، آشتى و سازش، کفاره (دیه، اصلاح)، جبران کردن، خدمات اجتماعى، میانجى گرى، و تاوان مترادف یکدیگر به کار رفته اند و اصطلاح «عدالت ترمیمی» تا حدودى جدید است. و وجود این همه اصطلاحات مذکور تحت عنوان کلی عدالت ترمیمی قابل جمع اند. با توجه به آنچه بیان گردید معلوم است که عدالت ترمیمی در مقایسه با عدالت کلاسیک متضمن پاسخ خاص و متواتر به جرم است. در حالى که ممکن است برخى واکنش هاس سزا دهنده و مبتنى بر بازپرورى مشابه پاسخ هاى ترمیمی باشند، اما میان اهداف عدالت ترمیمی و دو گونه دیگر از اجرای عدالت در امور کیفرى کاملاً متفاوت است. «مطابق نظر «والگراو» پاسخ مبتنى بر سزادى در اجتماع و از طریق دولت و قدرت وى ارائه مى شود. این پاسخ متمرکز بر جرم، زیان حاصل، مجازات متناسب و استحقاقى و به علاوه در حاشیه قرار دادن بزه دیده است. واکنش مبتنى بر بازپرورى در زمینه ای اجتماعى با «دولت رفاه» بروز مى یابد و مبتنى بر تمرکز به بزهکار، درمان وى، همنو سازى بزهکار با جامعه و در عین حال فراموش کردن بزه دیده است. در مقابل، عدالت ترمیمی در زمینه اجتماعى و با وجود دولت مقتدر وقوع مى یابد، بر ضرر وارده متمرکز مى شود زیان وارده را ترمیم مى کند و در جستجوی راضى کردن طرفین بوده، به بزه دیده به عنوان کانون اجرای عدالت مى نگرد.»^۱

فراهم نمود. هم چنین سزار بکارى در رساله ی جرایم و مجازات ها به صورت کلی به اصول و اهداف عدالت ترمیمی مى پردازد همانا که «پیش گیری از جرم» از اهداف عدالت ترمیمی است بکارى در فصل چهل و یکم تحت عنوان "چگونه از وقوع جرایم پیش گیری کنیم" به این امر مى پردازد.^۲

۱ - حسین غلامی، پیشین. ص ۴۵ و ۴۴

۲ - سزار بکارى، پیشین. ص ۱۳۱



بنام فیلسوف انگلیسی نیز بر ضرورت توجه به بزه دیده در فرایند کیفری تاکید می کند: « رضایت خاطر جهت مقابله با علت بدی لازم است، و اینکه باید هر چیز بار دیگر همانند زمان قبل از وقوع جرم، در جای خود قرار بگیرد». او معتقد است رضایت خاطر (بزه دیده) به همان اندازه ضروری است که اعمال مجازات بر بزهکار.^۱

حمایت از عدالت ترمیمی در برخی کنگره های بین المللی در فاصله سال های ۱۸۷۸ تا ۱۹۰۰ قابل توجه است. در کنگره بین المللی زندان که به سال ۱۸۷۸ در استکهلم برگزار شد بر ضرورت بازگشت به مفهوم سنتی « جبران و استرداد» در میان کلیه نظام های حقوقی تاکید گردید. کنگره های بعدی که در سال ۱۸۹۰ در پترزبورگ (روسیه) و کریستیان (نروژ) برگزار شد متضمن نتایج زیر در خصوص حمایت از احیای عدالت ترمیمی بود:

۱. حقوق جدید به اندازه کافی به جبران خسارات بزه دیدگان توجه نمی کند
 ۲. در مورد جرایم کوچک باید به بزهکار فرصت کافی جهت جبران خسارت و پرداخت غرامت به بزه دیده اعطا شود.
 ۳. درآمد زندانیان در زندان در این رابطه (جبران خسارت بزه دیدگان) مصرف شود.
- در کنگره بین المللی زندان به سال ۱۸۹۵ درباره موضوع عدالت ترمیمی، استرداد مال و پرداخت و جبران خسارت بزه دیدگان به نحو دقیق تری بحث شد و نتایج زیر مورد توجه قرار گرفت:
۱. حقوق جدید به عدالت ترمیمی به عنوان جبران خسارت بزه دیدگان توجه کافی نمی کند
 ۲. در برخی کشورها قوانین نسبت به بزه دیدگان سخت تر است تا نسبت به بزهکاران.
- در کنگره سال ۱۹۰۰ در بروکسل (فرانسه) موضوع عدالت ترمیمی به نحو جامعی مورد بحث قرار گرفت و « گارو فالو» یکی دیگر از بنیان گزاران مکتب تحقیقی پیشنهاد کرد که جبران خسارت بزه دیده و اخذ رضایت وی باید به عنوان شرط اعطای آزادی مشروط به بزهکار تلقی شود. هم چنین او پیشنهاد نمود « یک صندوق پولی دولتی جهت جبران خسارت بزه دیدگانی که بزهکاران آنها قادر به پرداخت غرامت نیستند، تاسیس شود». با وجود این شرکت کنندگان در کنگره مذکور قادر به ارائه پیشنهاد جمعی مشخصی نشدند و در قطعنامه پایانی صرفاً بر توجه بیشتر به حقوق بزه دیدگان در فرایند رسیدگی حقوقی (نه کیفری) تاکید کردند. برخی نویسندگان از این پیشنهاد قطعنامه تحت عنوان «

دفن عدالت ترمیمی « یاد کردند و برخی دیگر تاکید نمودند « پدران بر ما در زمینه اجرای عدالت خردمندتر از ما بودند»^۱.

بند اول: احیای عدالت ترمیمی در عمل

عدالت ترمیمی تحت عناوینی چون «انقلاب در عدالت کیفری التیام و قرار گرفتن امور در جای خود» ، « جایگزینی کینه و انتقام با تعهد و احساس دیدار زنده و حیات بخش ساختاری کاملاً نو برای درک و ارائه پاسخ به جرم و بزدیدگی» و « تغییر سرمشق (پارادایم) » در دهه ۱۹۷۰ میلادی ظهور کرد. اولین کسانی که از این اصطلاح استفاده کردند « آلبرت آگلاش» و «بارنت» بودند. آگلاش، که از او تحت عنوان واضع اصطلاح عدالت ترمیمی یاد میشود، در سال ۱۹۷۷ در مقاله ای تحت عنوان «استرداد: سرمشق (پارادایم) جدید عدالت کیفری» منتشر نمود و به توضیح و تغییر آن پرداخت.

صرف نظر از ریشه های تاریخی عدالت ترمیمی در برخی کشورها از جمله نیوزلند، کانادا و ... که در مباحث مربوط به آنها خواهیم پرداخت، حتی برخی جنبش های اجتماعی نظیر جنبش های اجتماعی زنان در دهه ۱۹۶۰، جنبش حمایت از حقوق زندانیان در آمریکا و نیز تلاش هایی که برای « اجتماعی کردن عدالت کیفری» در دهه ۱۹۶۰ به ویژه در آمریکا انجام شده از ریشه های تاریخی ظهور عدالت ترمیمی است. به طور دقیق و ملموس تر می توان به برخی جنبش های حقوقی برای احیای حقوق بزه دیده و به ویژه حق دریافت خسارت و استرداد مال در دهه ۱۹۶۰ و نیز نهضت حقوق بزه دیدگان در دهه ۱۹۷۰ اشاره نمود که تلاش کردند در حالی که اصل بر اجرای عدالت نسبت به بزهکار بود و بزه دیده به عنوان موجودی « بدبخت و مفلوک» فراموش شده بود، جایگاهی برای وی در فرایند اجرای عدالت فراهم آورند.^۲

اولین برنامه عدالت ترمیمی در قالب برنامه های ایجاد سازش میان بزه دیده، بزهکار در سال ۱۹۷۴ در کانادا به مورد اجرا درآمد. هدف این برنامه که تحت حمایت کلیسای محلی منونیت و با استفاده از روش میانجی گری و ملاقت چهره به چهره بزه دیده، بزهکار اجرا شد. تمحید شرایطی برای کاهش استفاده از حبس از یک طرف و ایجاد آگاهی در بزه دیده و بزهکار راجع به فرایندهای عدالت کیفری و حل معضلات و مشکلات روانی بزه دیده از طرف دیگر بود. در سال ۱۹۷۸ کلیسای مذکور برنامه دیگر ایجاد سازش میان بزه دیده، بزهکار را در «الکهارت» (ایندیانا ای آمریکا) اجرا شد. پس

۱ - حسین غلامی، پیشین. ص ۷۰

۲ - حسین غلامی، پیشین. ص ۷۱ و ۷۲



از آن از اجرای برنامه های عدالت ترمیمی در آمریکا استقبال شد به نحوی که تعداد برنامه های ایجاد سازش در این کشور در سال ۱۹۸۶ به ۵۰ فقره و در سال ۱۹۹۴ به ۱۲۳ برنامه رسید و در حال حاضر بیش از ۳۰۰ برنامه عدالت ترمیمی در این کشور اجرا می شود. برنامه های عدالت ترمیمی علاوه بر اروپا، آمریکا و کانادا در نیوزلند و استرالیا نیز مورد استقبال قرار گرفته اند.

اکنون عدالت ترمیمی نه تنها در جستجوی زمینه اجرای برنامه های عدالت ترمیمی بلکه در پی اصلاح نظام عدالت کیفری است. در سال ۱۹۹۴، بخش اصلاح و تقویت «ورمونت» آمریکا پس از آگاهی از نارضایتی مردم از کیفیت عملکرد دستگاه عدالت کیفری و رضایت و حمایت بیشتر آنها از برنامه های عدالت ترمیمی اجرا شده نسبت به جرایم غیر خشونت آمیز، اقدام به انحلال نظام اصلاحی، تربیتی یکصد ساله ای نمود که بر محور حبس یا آزادی مشروط گردش می کرد. هم چنین در سطوح ملی، منطقه ای و نیز در سطح بین المللی تلاش های گسترده ای برای اجرای برنامه های عدالت ترمیمی صورت می گیرد. مخاطبان این برنامه ها، مجرمان نوجوان و جوان و بزهکاران بزرگ سال و مرتکبان انواع جرایم اند.

سیاست گزاران جنایی در انگلستان در یکی از سیاست های اتخاذی ناظر به بزهکاری جوانان، در سال ۱۹۹۸، اصطلاحاً از عدالت ترمیمی تحت عنوان «۳ آر»، (۲۵۳) یاد کرده اند که ناظر به سه موضوع عدالت ترمیمی یعنی جبران، ترمیم، بازپذیری اجتماعی و مسئولیت و پاسخ گویی بزهکار است که به ترتیب زیر تعریف شده اند:

- جبران و ترمیم: بزهکاران جوان از بزه دیدگان خود پوزش خواسته، نسبت به جبران زیان های ناشی از جرم اقدام می کنند.
- بازپذیری اجتماعی: بزهکاران جوان دین خود را به جامعه می پردازند، جرم ارتكابی را پشت سر می گذارند و با اجتماع مطیع قانون هم خوان میشوند.
- مسئولیت و پاسخ گویی: بزهکاران جوان، و والدین آنها، با نتایج رفتار مجرمانه رو به رو شده، مسئولیت پیش گیری از بزهکاری بعدی را می پذیرند.

تفاوت میان مدل های نظری و حیات آنها، نخست تنوع، هم زیستی و فزونی نامیده می شود. وضعیت یکسان در کشور و در لحظه واحد، هیچ گاه به یک شکل تجربه نمی شود. برای نمونه، پاسخ رسمی به یک سرقت، در فرانسه در ۲۰۲۰ چه خواهد بود؟ این پاسخ (در قالب متغیر کیفری مدل دولت،

جامعه لیبرال، هم بستگی گرایی یا کنترل جامعه‌ی، تنها درباره پرونده‌هایی که پلیس آنها را تعیین و تکلیف کرده باشد، عمل می‌کند.^۱

«دلماس مارتی» در کتاب خویش تحت عنوان "نظام‌های بزرگ سیاست جنایی" هسته اصلی شبکه کیفری را به سه قسمت تقسیم می‌کند:

۱- اقتدار گرایی

۲- تفوق حقوق

۳- هم بستگی گرایی و نظارت جامعه‌ی که هر دو مشارکت زیاد جامعه مدنی^۲ را می‌طلبد. و منظور از نظارت جامعه‌ی را، تقویت طرد بزهکار یا مساعد کردن زمینه بازگشت او به جامعه می‌داند.^۳

اکنون عدالت ترمیمی به عنوان مبنای مشروع تعقیب برخی مسائل کیفری مد نظر کمیسیون‌های مستقل قرار گرفته و جایگاه مناسبی در میان اسناد و ابزارهای حقوقی بین‌المللی پیدا کرده است. در سال ۱۹۹۹ سازمان ملل متحد استفاده از میانجی‌گری و عدالت ترمیمی را در موضوعات متناسب توصیه نمود و علاوه بر آن کمیسیون پیش‌گیری از جرم و عدالت کیفری را جهت بررسی تحولات و توسعه اصول راهبردی در مورد استفاده از میانجی‌گری و برنامه‌های عدالت ترمیمی فرا خواند. قطعنامه صادره در دهمین کنگره سازمان ملل متحد ناظر به پیش‌گیری از جرم و اصلاح مجرمین در سال ۲۰۰۰، دولت‌های عضو را به استفاده از عدالت ترمیمی تشویق کرد. پس از آن ف کمیسیون پیش‌گیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد با توجه به اظهار نظر ۳۸ کشور از جمله کشور های اتریش، بلژیک، بلغارستان، کانادا، جمهوری ژک، مکزیک و هلند طرح «اصول بنیادین راجع به استفاده از برنامه‌های عدالت ترمیمی در موضوعات کیفری» را تهیه و به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل تقدیم نمود که به تصویب آن شورا رسید.

از طرف دیگر تنها در اروپا بیش از ۷۰۰ برنامه میانجی‌گری میان بزه دیده، بزهکار اجرا شده است. در آوریل سال ۲۰۰۳ دولت بلژیک طرحی را تقدیم پارلمان اروپا کرد. پارلمان مذکور ضمن تصویب

۱- می‌ری دلماس، مارتی؛ نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، نشر میزان، چاپ اول،

۱۳۸۲، جلد دوم. ص ۲۸

۲- یعنی مشارکت گروه اجتماعی، بزه دیده (در صورتی که وجود داشته باشد) و بزه کار یا منحرف

۳- همان، ص ۳۰ و ۳۱



پیشنهاد بلژیک پس از انجام برخی اصلاحات، از شورای وزیران اتحادیه اروپا در خواست کرد در خصوص طرح پیشنهادی دولت بلژیک تصمیم گیری نمایند.

این طرح که طبق پیشنهاد پارلمان اروپا تحت عنوان « شبکه اروپایی نقاط تماس ملی برای میانجی گری در امور کیفری و عدالت ترمیمی » نامیده شد: « به منظور تسهیل و تسریع موثر در همکاری قضایی میان دولت های عضو در امور کیفری از جمله مسائل مربوط و اجرای تصمیمات اتخاذی از طریق میانجی گری و سایر روش های عدالت ترمیمی، و به علاوه تامین شرایط مطابقت میان قواعد و مقررات قابل اجرا تا حدودی که چنین همکاری را ضروری می سازد لازم است نسبت به تاسیس شبکه اروپایی نقاط ارتباط ملی برای میانجی گری در مسائل کیفری و عدالت ترمیمی، اقدام شود». هدف از تاسیس این شبکه گردآوری، تجزیه و تحلیل و توزیع اطلاعات در خصوص کیفیت اجرای عدالت ترمیمی از یک سو و تشویق ارتباط و تبادل تجربیات میان مراجع ذی ربط، نهاد ها و سازمان های ذی صلاح و نیز برگزاری سمینارها، کنفرانس، ملاقات ها و همکاری با کشورهای درخواست کننده، کشور های ثالث و سازمان های بین المللی در زمینه اجرای عدالت ترمیمی است.

بند دوم: مقایسه نظام عدالت کیفری سنتی (کلاسیک) با عدالت ترمیمی

با توجه به ویژگی های خاص نظام سنتی عدالت کیفری و مقایسه آن با عدالت ترمیمی می توان مهم ترین تفاوت های آنها را به ترتیب زیر بررسی کرد:

۱. تقصیر

در نظام عدالت کیفری کلاسیک تلاش می شود با بررسی اعمال واجد وصف مجرمانه، عناصر بزهکاری مجرم احراز و اثبات شود. دادگاه ها از قواعد آیین دادرسی و مدارک و دلایل لازم برای این منظور استفاده می کنند. پلیس، دادستان و به طور کلی دادسرا در همین جهت فعال می شوند. در مقابل، در اجرای فرایند ترمیمی از بزهکار خواسته می شود مسئولیت عمل خود را بپذیرد. در اینجا به دنبال اثبات تقصیر و مجرمیت وی نیستند. تمایز میان پذیرش مسئولیت و تقصیر ریال در فهم و درک چگونگی عدم موافقت عدالت ترمیمی با نظام فعلی عدالت کیفری مهم است. در حالی که ممکن است متهم مسئولیت آنچه را انجام داده است بپذیرد، دادگاه ها در اجرای عدالت کیفری سنتی بیشتر در پی آن هستند که بدانند آیا وی در انجام عمل « عامد » و « قاصد » بوده است یا خیر. متهم ممکن است نتایج اعمال و رفتار خود را پذیرفته، مایل به جبران آن باشد، اما در عین حال از قبول تقصیر خودداری کند. زیرا هیچ قصد مجرمانه ای نداشته یا آنکه توصیف مقام تعقیب از آنچه اتفاق افتاده با



آنچه مورد توجه متهم است متفاوت باشد. در نظام فعلی عدالت کیفری، پاسخ به جرم اصولاً باید متناسب با شدت آن، ضرر و زیان خاص ناشی از آن و میزان تقصیر بزهکار باشد. در عدالت ترمیمی و به عنوان مثال در میانجی‌گری میان بزه دیده، بزهکار، نیاز بزه دیده و ضرورت کمک به وی ممکن است از بررسی مسئولیت یا تقصیر بزهکار اهمیت بیشتری داشته باشد. در این نظام دو بزهکار با دو جرم مشابه و میزان تقصیر یکسان ممکن است مشمول دو حکم جداگانه قرار گیرند؛ یکی بخشیده شود و دیگری مجازات گردد. از طرف دیگر، دخالت اعضای اجتماع و توجه به دیدگاه‌های آنها و نیز مشارکت آنها با بزهکار جهت جبران زیان‌های حاصله از جرم، در سرنوشت بزهکار موثر است.

۲. آشفستگی و اضطراب

نظام عدالت کیفری می‌کوشد با بزهکار به نحوی بی‌طرفانه و بدون غرض برخورد نماید و درخواست عموم برای اعمال مجازات یا اخذ انتقام، با اصول آیین دادرسی و مبانی حقوقی جهت تبیین واکنش احتمالی مطابقت داده شود. در دادگاه‌های کیفری فوران هیجانات و غلیان اضطراب‌ها دقیقاً مدیریت می‌شود. بروز و ظهور هیجانات در این نظام وفق موازین کنترل می‌گردد و به هر ترتیب اجازه داده نمی‌شود که بر آیین دادرسی غالب شود.

در عدالت ترمیمی تأثیر جرم بر احساس و هیجان بزه دیده، بزهکار و اجتماع به رسمیت شناخته می‌شود. عدالت ترمیمی در جستجوی التیام بخشیدن به اضطراب‌ها و آشفستگی‌هایی است که در نتیجه تحمل جرم بر بزه دیده وارد می‌شود، و بزهکار مسئول دفع آثار زیان بار روانی، جسمانی و مالی ناشی از جرم در بزه دیده تلقی می‌گردد بدون توجه به چنین آثاری بعید است که بزهکار مسئولیت واقعی اعمال خود را بپذیرد.



نتیجه گیری

در یازدهمین کنگره ی پیش گیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل متحد که در سال ۲۰۰۵ در وین (اتریش) برگزار شد از عدالت ترمیمی به عنوان یکی از راه های اصلاح نظام عدالت کیفری یاد شده است. در این کنگره تاکید شده است در حالی که تنها حدود ۲۵ سال از ظهور عدالت ترمیمی می گذرد، این پارادایم در سطح جهانی، به عنوان یکی از مهم ترین الگوهای تغییر و تحرک در عدالت کیفری کلاسیک مطرح شده است. اکنون در حدود ۸۰ تا ۱۰۰ کشور جهان از الگوی عدالت ترمیمی برای واکنش نسبت به پدیده های مجرمانه استفاده می کنند. در حالی که در برخی از این کشورها، عدالت ترمیمی مراحل آزمایشی و اجرایی شدن خود را طی می کند که میزان تمایل مقتن و سیستم حقوقی ایران نیز نسبت به اجرای عدالت ترمیمی بحث و بررسی گردید و نمونه هایی آورده شد. در برخی دیگر از کشورها از آن به عنوان الگوی اصلی یا جانشین نظام عدالت کیفری سنتی (کلاسیک) حداقل در رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان، استفاده می شود. در این مقاله به صورت مبسوط عدالت ترمیمی را به عنوان مدل بدیل و جانشین برای عدالت کلاسیک معرفی کردیم و انتقادهای ناظر بر عدالت کیفری سنتی (کلاسیک) آورده شد و علل و فواید روی آوری به مدل جدید عدالت دهی (عدالت ترمیمی) به صورت تطبیقی مطالعه و بررسی شد.

از برنامه های ترمیمی در زندان ها و جهت کاهش جمعیت کیفری آن می توان استفاده کرد. بخشی از این برنامه ها ناظر بر ایجاد شرایط ملاقات بزه دیدگان با بزهکاران در زندان است.

چنین ظرفیت هایی زمینه اجرای عدالت ترمیمی را در هر جامعه ای فراهم می کند. در نتیجه عدالت ترمیمی خواه به عنوان الگوی رقیب یا الگوی هم زیست با عدالت کیفری سنتی، می تواند در کاهش مشکلاتی که عدالت کیفری سنتی به آنها دچار است یا موجب برخی از آنهاست، موثر باشد. تردیدی نیست که با در نظر گرفتن مشکلات اجرای عدالت کیفری سنتی در ایران و از جمله اطاله دادرسی، افزایش جمعیت زندانیان و کاهش فضای مطلوب زندان برای نگهداری آنها، و بزهکاری در محیط کنترل شده زندان، استفاده از برنامه های ترمیمی، تا حدودی از شدت این مشکلات خواهد کاست.



منابع و ماخذ

۱. آشوری، محمد، جایگزین های حبس یا مجازاتهای بینابین، تهران ۱۳۸۲
۲. بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازاتها، تهران، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۸۹
۳. زهر، هوارد، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۳
۴. غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۰
۵. کاشانی، سید محمود، استانداردهای جهانی دادگستری، تهران، نشر میزان، چاپ اول
۶. کریستی، نیل، اختلافها به مثابه دارایی، ترجمه حسین غلامی، فصل نامه تخصصی فقه و حقوق، سال دوم، شماره ۸
۷. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق، تهران، شرکت انتشار، چاپ شانزدهم، ۱۳۹۲
۸. مدنی قهفرخی، سعید و امیر حمزه زینالی، آسیب شناسی حقوق کودکان در ایران، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰
۹. معظمی، شهلا و محمد پارسا، انجمن معتادان گمنام از منظر عدالت ترمیمی، تهران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۸، ۱۳۸۸
۱۰. مارتی، می ری دلماس، نظامهای بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، نشر میزان، جلد دوم، چاپ اول، ۱۳۸۷
۱۱. موریس، ماکسول، عدالت ترمیمی الگوی نوین تفکر در امور کیفری، ترجمه حسین غلامی، تهران، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۹
۱۲. نجفی ابرند آبادی، علی حسین، از عدالت کلاسیک تا عدالت ترمیمی، مشهد، نشریه حقوق «آموزه های فقهی (الهیات و حقوق)» پاییز و زمستان ۱۳۸۲، شماره ۹ و ۱۰
۱۳. علیرضا، مختاری، نقش حمایت از بزه دیده گان در کاهش جمعیت کیفری زندانها، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران، نشر میزان
۱۴. جواد، فروغی فر، نقش قضازدایی در کاهش جمعیت کیفری زندانها، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۶





پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی